



دانشکده حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

حیات غیرمستقر

توسط

معصومه نوده

استاد راهنما:

دکتر محمد هادی صادقی

بهمن‌ماه ۹۰

برای حمایت از حقوق پدیدآوران

تقدیم به

جانباختگان راه حقیقت؛ آنها که حق را شناختند و به آن

پیوستند.

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم؛ امیدهایم در گذشته، حال و آینده.

ساسگزارى

حال كه اين پايان نامه به لطف خدا به اتمام رسيده است، لازم مى دانم از افرادى كه در تدوين اين پايان نامه تمام توان خود را در طبق اخلاص نهاده و در طول تدوين اين پايان نامه همواره در كنار اينجانب بودند تشكر و قدردانى نمايم.

نخست از استاد گرامى جناب آقاى دكتر صادقى كه به عنوان استاد راهنما در تدوين اين پايان نامه نقش مؤثرى داشتند تشكر مى كنم.

همچنين آقاى دكتر فروغى و دكتر عامرى كه به عنوان اساتيد مشاور بنده به من كمك نمودند.

و از خواهر خودم خانم فرشته نوده تشكر مى كنم كه از هيچ كمكى در اين راستا از بنده دريغ نكردند.

در پايان از آقاى خادم مسئول سالن كامپيوتر كه در اشكالات كامپيوترى اين پايان نامه كمكهاى شايانى نمودند تشكر خالصانه دارم.

چکیده

حیات غیرمستقر

بوسیله‌ی:

معصومه نوده

حیات غیرمستقر به وضعیتی گفته می‌شود که حیوان یا انسان در لحظات واپسین زندگی خود به سر می‌برد و به هیچ وجه به زندگی بازگشت نخواهد داشت.

این وضعیت با عناوین مرگ مغزی، کما و مرگ قطعی تفاوت‌هایی دارد که نشان می‌دهد نباید با آنها یکسان قلمداد گردد.

جنایتی که از سوی یک انسان واقع شود، یکی از موجبات حیات ناپایدار در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قانونگذار واقع شده است که این ماده قابل تعمیم به سایر موارد مانند زمانی که شخص در اثر حمله حیوان وحشی در این وضعیت قرار می‌گیرد نیز می‌باشد.

حیات ناپایدار یک وضعیت عارضی است که دارای عواقب و آثار حقوقی، کیفری و شرعی می‌باشد. از جمله آثار حقوقی آن زمانی است که شخص در حکم مرده وصیتی به نفع دیگران می‌کند که در صحت آن اختلاف نظر شده است.

اثر مهم کیفری آن نیز در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است.

اثر شرعی مهمی که این وضعیت به دنبال دارد این است که تکالیف شرعی از وی ساقط می‌شود.

واژگان کلیدی: حیات غیرمستقر، مرگ قطعی، مرگ مغزی، کما.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	الف) سابقه تحقیق
۵.....	ب) تعریف مسئله
۶.....	ج) روش تحقیق
۷.....	فصل اول: تبیین مفاهیم
۸.....	مبحث اول: تعریف و معیارهای حیات مستقر
۸.....	گفتار اول: تعریف حیات مستقر
۹.....	بند اول: حیات
۱۱.....	بند دوم: حیات مستقر
۱۴.....	گفتار دوم: معیارهای حیات مستقر
۱۵.....	بند اول: معیارهای فیزیکی
۲۲.....	بند دوم: معیار غیر فیزیکی
۲۴.....	بند سوم: عرف
۲۶.....	مبحث دوم: تعریف حیات غیر مستقر
۲۷.....	گفتار اول: تعریف لغوی و اصطلاحی حیات غیر مستقر
۲۷.....	بند اول: تعریف لغوی حیات غیر مستقر
۲۷.....	بند دوم: تعریف حیات غیر مستقر در اصطلاح فقها

گفتار دوم: حیات غیرمستقر از دیدگاه پزشکان.....	۲۹
فصل دوم: رابطه حیات غیرمستقر با عناوین مشابه.....	۳۲
مبحث اول: حیات غیرمستقر و مرگ مغزی.....	۳۳
گفتار اول: تعریف مرگ مغزی.....	۳۳
گفتار دوم: دیدگاه‌های گوناگون راجع به ماهیت مرگ مغزی.....	۳۸
بند اول: نظر قائلین به زنده بودن تا زمان ادامه‌ی ضربان قلب.....	۳۹
بند دوم: نظر قائلین به وقوع مرگ در مرگ مغزی.....	۴۲
بند سوم: نظر قائلین به عدم استقرار حیات در مرگ مغزی.....	۴۴
گفتار سوم: وجوه تشابه و تمایز حیات غیرمستقر با مرگ مغزی.....	۵۱
بند اول: وجوه تشابه حیات غیرمستقر با مرگ مغزی.....	۵۱
بند دوم: تمایزات مرگ مغزی با حیات غیرمستقر.....	۵۳
مبحث دوم: حیات غیرمستقر و کما.....	۵۶
گفتار اول: ماهیت کما از نظر پزشکی، انواع و علل آن.....	۵۶
گفتار دوم: نسبت حیات غیرمستقر با کما.....	۵۹
مبحث سوم: نسبت حیات غیرمستقر با مرگ قطعی.....	۶۱
گفتار اول: پایان حیات.....	۶۲
بند اول: مرگ از دیدگاه شرع.....	۶۴
الف) تعریف مرگ از نظر شرع اسلام.....	۶۴
ب) علائم مرگ از نظر شرع اسلام.....	۶۷
بند دوم: مرگ از دیدگاه پزشکی.....	۶۹
گفتار دوم: وجه ممیزه حیات غیرمستقر با مرگ قطعی.....	۷۱

فصل سوم: مصادیق و موجبات حیات غیرمستقر..... ۷۳

مبحث اول: مصادیق حیات غیرمستقر..... ۷۴

گفتار اول: انسان..... ۷۵

بند اول: جنین انسان..... ۷۵

بند دوم: انسان بالغ..... ۷۶

گفتار دوم: حیوان..... ۷۷

مبحث دوم: موجبات حیات غیرمستقر..... ۷۹

گفتار اول: جنایت..... ۸۰

بند اول: ویژگیهای جنایت ارتكابی..... ۸۰

بند دوم: انواع جنایت..... ۹۹

الف) جنایت بر نفس..... ۹۹

ب) جنایت بر دیگری..... ۱۰۴

۱- جنایت علیه جنین..... ۱۰۴

۲- جنایت بر انسان بالغ..... ۱۰۷

گفتار دوم: عوامل طبیعی..... ۱۱۷

بند اول: عوامل قهری..... ۱۱۷

بند دوم: بیماری..... ۱۱۸

فصل چهارم: آثار حیات غیرمستقر..... ۱۲۸

مبحث اول: آثار وضعی حیات غیرمستقر..... ۱۳۰

گفتار اول: آثار وضعی حقوقی حیات غیرمستقر..... ۱۳۰

بند اول: وصیت..... ۱۳۳

الف: موصی در وضعیت حیات غیرمستقر..... ۱۳۳

ب: موصی له در وضعیت حیات غیرمستقر..... ۱۴۱

بند دوم: ارث..... ۱۴۶

الف: حیات غیرمستقر مورث.....	۱۴۶
ب: حیات غیرمستقر وارث.....	۱۴۹
بند سوم: انعقاد عقد توسط شخص در حکم مرده.....	۱۵۲
بند چهارم: علقه‌ی زوجیت شخص در حکم مرده و نفقه.....	۱۵۵
بند پنجم: دیون و طلبهای شخص در حکم مرده.....	۱۵۷
گفتار دوم: آثار وضعی شرعی.....	۱۶۰
مبحث دوم: آثار تکلیفی حیات غیرمستقر.....	۱۶۲
گفتار اول: آثار تکلیفی کیفری.....	۱۶۲
بند اول: مجازات جانی در ایجاد حیات غیرمستقر.....	۱۶۳
بند دوم: مجازات جانی دوم در جنایت بر مجنی علیه در حکم مرده.....	۱۶۶
گفتار دوم: آثار تکلیفی شرعی.....	۱۷۱
نتیجه گیری.....	۱۷۸
پیشنهادها.....	۱۸۰
فهرست منابع.....	۱۸۱

مقدمه

از نگاه اسلام احترام مرده مسلمان کمتر از زنده او نیست به همین دلیل جنایت بر مرده مسلمان هم مجازات دیه به دنبال خواهد داشت. یکی از جلوه‌های این قاعده در حیات غیرمستقر یا ناپایدار عینیت می‌یابد.

حیات غیرمستقر یعنی مرحله‌ای از زندگی انسان که رو به سوی نیستی می‌رود و به عبارتی در حالت احتضار به سر می‌برد، با پیشینه‌ای فقهی، وضعیتی است که درباره حیوان نیز قابلیت بررسی دارد. این عنوان در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی و با اقتباس از فقه به صورت تلویحی آورده شده است؛ به عبارت دیگر این ماده عنوان «در حکم مرده» را برای شخصی که در شرایط ناپایداری حیات قرار گرفته، نهاده است کما اینکه فقها نیز عبارت «فی حکم المذبوح» را در این مورد به کار می‌گیرند. این ماده به شرح ذیل می‌باشد:

«هرگاه جراحی که نفر اول وارد کرده، مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد، اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می‌پردازد.»

ماده فوق در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی نیز به گونه‌ی دیگری لکن با همین مفهوم آمده است: ماده ۷-۳۱۶ این لایحه مقرر می‌دارد:

«...در صورتی که جنایت اول مجنی علیه را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی باشد، به گونه‌ای که هیچ امیدی به بقاء حیات او نباشد و جانی دوم به این حیات غیر مستقره پایان دهد، جانی اول قاتل است و جانی دوم تنها دیه جنایت بر

مرده را می‌پردازد و به مجازات تعزیری مقرر در ماده (۶-۴۲۸) این قانون محکوم می‌شود.»

به این ترتیب که مجازات دو شخص را در طی فرآیندی که به طور کامل روح از بدن مجنی‌علیه جدا می‌شود، تعیین می‌کند که در تعیین این واکنش کیفری متون فقهی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.

نکته ای که بیان آن ضروری به نظر می‌رسد این است که توجه اصلی فقها و به تبع آنها مقنن به جنبه کیفری محدود شده‌است و این نکته به ذهن متبادر می‌شود که این حکم تنها زمانی قابلیت اجرا دارد که مجنی‌علیه به واسطه جنایتی که اولی وارد کرده‌است در این وضعیت قرار گرفته باشد. در حالی که این موضوع بسیار پیچیده تر از آن است که در بادی امر به نظر می‌رسد. و در این پایان نامه به این موضوع پرداخته خواهد شد که حیات ناپایدار تحت تأثیر عوامل مختلفی قابلیت تحقق دارد.

این پایان نامه مشتمل بر چهار فصل است که فصل اول شامل کلیاتی در باره عنوان حیات غیرمستقر و فصل دوم در بردارنده‌ی شباهتها و تمایزات آن با مرگ مغزی و کما می‌شود.

فصل سوم مشتمل بر موجبات حیات غیر مستقر است و النهایه در فصل چهارم به بیان آثار حیات غیرمستقر خواهیم پرداخت.

الف) سابقه تحقیق

اگر به جستجوی موضوع حیات غیرمستقر در لابلای منابع عربی بپردازیم، با کتابهای بسیاری برخورد می‌کنیم از میان آنها میتوان به این آثار اشاره نمود:

علامه حلی در هر یک از ۴ کتاب خود به نامهای **تذکره الفقها (جلد ۵)**، **تلخیص المرام فی معرفة الاحکام**، **ارشاد الاذهان (جلد ۲)**، و **تحریر الاحکام (جلد ۲)** به ترتیب در ابواب ارث، جنایات، ذباحت سخنان کوتاهی بیان کرده‌است. همچنین محقق حلی در جلد ۳ کتاب **شرایع الاسلام** در باب ذبح از این موضوع سخن گفته‌است. میتوان به کتاب **روضه البهیمه** تألیف شهید ثانی هم اشاره کرد که ایشان هم در باب ذبح از موضوع مذکور نام می‌برد.

در میان کتب پارسی منابع اندکی در رابطه با این موضوع قابل مشاهده است که به گونه‌ای بسیار گذرا به موضوع مورد نظر پراخته‌اند؛ از جمله این آثارند:

کتاب **جرائم علیه اشخاص** نوشته دکتر محمد هادی صادقی که به بررسی کوتاه موضوع حیات غیرمستقر و منشأ آن پرداخته‌اند.

دکتر عباس زراعت در شرح خود بر قانون مجازات با عنوان **"قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی"** ذیل ماده ۲۱۷ قانون نامبرده توضیحات مختصری ارائه داده‌اند(البته به نظر برخی نمی‌توان عنوان "کتاب" به آن داد که مسامحتاً ما آن را کتاب می‌دانیم). این نویسنده ضمن تبیین ماده مذکور توضیح اندکی درباره اینکه در حکم مرده به چه کسی اطلاق میشود، ارائه داده‌اند و سپس با بیان اختلاف نظرات راجع به محدود بودن این ماده به اینکه آیا حکم آن منحصرًا راجع به کسی است که در اثر جراحت دیگری در وضعیت حیات غیرمستقر قرار گرفته است یا اینکه می‌توان آن را به موارد دیگر از جمله زمانی که حالت مذکور به واسطه بیماری بر مجنی علیه عارض می‌شود نیز تسری داد، معتقد به استثنا بودن حکم ماده ۲۱۷ می‌باشد.

آقایان مجتبی باری و سید مهدی حجتی در کتاب مشترک خود که آن نیز شرحی است بر قانون مجازات اسلامی و باز هم با عنوان **"قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی"** توضیحات اندکی راجع به ماده ۲۱۷ این قانون داده‌اند و بیان داشته‌اند ذکر جرح در این ماده به معنای انحصار در آن نمی‌باشد. اینان همچنین نگاهی بسیار گذرا به تعریف مرگ از دیدگاه پزشکی داشته‌اند.

در میان مقالات باید گفت آقای دکتر صادقی در شماره پنجم مجله‌ی پزشکی قانونی مقاله‌ای تحت عنوان **«حیات غیرمستقر»** منتشر کرده‌اند که در بردارنده‌ی تعریفی از حیات غیرمستقر و منشأ آن می‌باشد.

«بررسی مبانی لزوم استقرار حیات ذبح، با دستگاہهای مدرن» عنوان مقاله‌ای است از آقای دکتر محمد ادیبی مهر که در مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی (شماره ۴ و ۳) به تعریف استقرار حیات و بیان اختلاف نظرات فقها درباره‌ی اشتراط استقرار حیات در زمان ذبح می‌پردازد.

نگارنده‌ی مقاله اول به مختصر توضیحاتی راجع به حیات غیرمستقر بسنده نموده‌اند و نویسنده مقاله دوم هم کانون توجه خود را معطوف به ارتباط استقرار حیات با ذبح و تذکیه حیوان ذبح شده نموده‌است.

یکی دیگر از منابعی که به طور مختصر به موضوع این پایان‌نامه مربوط می‌شود، مقاله‌ای است تحت عنوان «مقایسه‌ی مرگ مغزی با حیات غیرمستقر» که توسط آقای سعید نظری توکلی در دانشگاه فردوسی مشهد در مجله مقالات و بررسی‌ها (دفتر ۷۳) نگارش یافته‌است. در این مقاله مرگ و زندگی بر اساس اعتقاد به پذیرش روح تعریف شده‌است. پس از آن نویسنده به بررسی حیات مستقر و حیات غیرمستقر در فقه اسلامی پرداخته‌است و در آخر به این نتیجه دست یافته‌است که بین این دو یعنی مرگ مغزی و حیات ناپایدار تفاوت وجود دارد؛ از این جهت که در وضعیت دومی قابلیت بدن برای تعلق روح از بین رفته ولی در مرگ مغزی با وجود از کارافتادگی قشر و ساقه مغز، به دلیل گردش خون و تنفس به دو صورت طبیعی و مصنوعی، این قابلیت باقی است.

نتیجه‌ی دیگری که از این تحقیق حاصل شده‌است، این است که بیمار مبتلا به مرگ مغزی، از حیث احکام ارث، وصیت، دین، زوجیت و جنایت ملحق به افراد زنده است؛ در حالیکه شخص دارای حیات غیرمستقر در این احکام شخص در حکم مرده قلمداد می‌شود.

آقای علی پورجوهری پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود را با موضوع «بررسی فقهی پیوند اعضا» در دانشگاه امام صادق (ع) دفاع نموده‌است. ایشان به تبیین مختصری از حیات غیرمستقر، معیارهای تشخیص آن از حیات مستقر و مقایسه مرگ مغزی با حیات غیرمستقر پرداخته‌است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «آثار حقوقی واگذاری اعضا» توسط آقای میرسجاد هاشمی نگارش شده‌است که به بیان تفاوت‌های مرگ مغزی با حیات غیرمستقر در بخشی از پایان‌نامه خود پرداخته‌است.

و بالاخره قسمتی از پایان‌نامه خانم زهرا فتاح با عنوان «فقه و چند مسئله مستحدثه پزشکی» مشتمل بر مقایسه مرگ مغزی با حیات ناپایدار می‌باشد.

همانطور که ملاحظه شد، آنچه که سابق بر این درباره حیات غیرمستقر به رشته تحریر درآمده- است، تنها دربردارنده‌ی تبیین وجوه تمایز مرگ مغزی با حیات غیرمستقر در ضمن مباحث اصلی و به طور اجمالی هستند و اگر تعریفی از موضوع مورد نظر ارائه داده‌اند، بسیار سطحی است و برای نیل به تعریفی کامل و مفصل راجع به موضوع مورد و موضوعات مربوط به این بحث قابل استفاده نمی‌باشد؛

با این اوصاف مشخص می‌شود که برای تبیین کامل وضعیت حیات ناپایدار و مسائل مربوط به آن نیاز به یک مجموعه مدون است تا با بررسی بیشتر این عنوان، ابهامات مربوط به آن را برطرف نماید.

نگارنده پایان‌نامه حاضر در نظر دارد ضمن توسعه مطالب منابع پیش گفته، راجع به موضوعات دیگری از قبیل تعریفی منسجم از حیات غیرمستقر، مبانی نظری، موجبات، آثار و همچنین تبیین ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی سخن بگوید تا مفهوم حیات ناپایدار که از مباحث فقهی- حقوقی است به خوبی آشکار گردد و آنچه در ماده مذکور با عنوان "در حکم مرده" آمده است به طور مفصل شرح داده شود.

(ب) تعریف مسئله (هدف)

این پایان‌نامه در پاسخ به سؤالاتی چند که خلأ ناشی از آنها در منابع موجود به شدت احساس می‌شود، نگارش می‌یابد. این سؤالات هرچند در وهله اول و در ظاهر بی‌اهمیت جلوه می‌کند، اما پاسخ به آنها معماهای بسیاری را که اکنون در زمینه حیات ناپایدار و مسائل مربوط به آن وجود دارد، حل خواهد کرد.

ابهامات مذکور از قرار ذیل می‌باشد:

۱- مبانی نظری حیات غیرمستقر چیست؟

۲- چه عاملی باعث طرح موضوع حیات غیرمستقر از سوی فقها و متعاقبا در قانون مجازات اسلامی شده است؟

۳- آثار تکلیفی شرعی و حقوقی حیات ناپایدار چیست؟

۴- آثار حیات ناپایدار یک انسان بر شخص ثالث چیست؟

۵- حیات غیرمستقر چه کاربردی در احراز شهادت در جنگ دارد؟

۶- «در حکم مرده» که در ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مطرح شده است به چه کسی

اطلاق می‌گردد؟

پاسخ این سؤالات تنها در سایه تبیین مفصل وضعیت حیات ناپایدار روشن می‌گردد.

هدف از ارائه این پایان‌نامه پاسخ دادن به این سؤالات است.

ج) روش تحقیق

«حیات غیرمستقر» موضوعی فقهی-حقوقی است که فقها در کتب فقهی خود راجع به آن مطالبی را ارائه نموده‌اند و آنچه در منابع دیگر از قبیل مقالات، کتابهای فارسی و پایان‌نامه‌ها درباره‌ی حیات ناپایدار نگاشته شده است، در واقع از همین منابع فقهی اقتباس و توسعه داده شده است. به همین منظور برای جمع‌آوری مطالب جهت تدوین این پایان‌نامه روش کتابخانه‌ای را مناسب دیدم.

لذا بیشترین توجه نگارنده برای تدوین پایان‌نامه معطوف به کتب فقهی بوده است و در خلال آن برای تکمیل منابع و مباحث در مواردی مراجعه به منابع پارسی هم لازم دانسته شد.

با این اوصاف توزیع پرسشنامه و انجام کارهای مربوط به روش میدانی که اغلب برای موضوعات رشته‌های علوم اجتماعی و روانشناسی دارای کاربرد است، لزومی نخواهد داشت و منابع کتابخانه‌ای نامبرده جهت تدوین یک پایان‌نامه‌ی منسجم راجع به حیات ناپایدار کفایت خواهد کرد.

فصل اول:

تبيين مفاهيم

فصل اول: تبیین مفاهیم

جهت تدوین این پایان نامه به نحو کامل و نیز جهت فهم مطالب آینده بهتر است ابتدا طبق روال معمول به بیان کلیاتی که لازمه انسجام بیشتر هر اثری است، پردازیم. به همین دلیل فصل اول این پایان نامه اختصاص به تبیین واژه‌ها و بیان کلیاتی خواهدداشت که در اثنای فصول مختلف آن و به مناسبت موضوعات مورد بحث، لازم است مورد استفاده قرار گیرد. به همین منظور عنوان نخستین مبحث از فصل اول این مجموعه را تعریف و معیارهای حیات مستقر تشکیل می‌دهد زیرا حیات غیرمستقر به عنوان موضوع اصلی این پایان نامه مفهومی است نسبتاً غامض و خود دارای عناصر و ارکانی است که باید به عنوان مقدمه‌ای برای درک و تعمق بهتر آن ابتدا حیات مستقر مورد شفاف سازی قرار گیرد. در مبحث دوم به تعریف حیات ناپایدار یا غیرمستقر خواهیم پرداخت.

مبحث اول: تعریف و معیارهای حیات مستقر

در این مبحث باید نکاتی مورد تبیین قرار بگیرد از جمله اینکه:

بدانیم حیات چیست؟ کسی که دارای حیات شناخته می شود باید دارای چه ویژگیهایی باشد؟ پس از آن باید معنای استقرار به خوبی روشن گردد تا معلوم شود حیات مستقر به چه وضعیتی اطلاق می گردد؟ و بعد از روشن شدن تعریف این دو واژه و بیان مطالبی که جهت تکمیل و انسجام تعریف آنها لازم است، به موضوع اصلی یعنی حیات غیرمستقر می پردازیم که اساس مطالب پایان نامه حاضر حول محور این موضوع می چرخد. به این ترتیب گفتار اول از مبحث اول را اختصاص به تعریف حیات مستقر می دهیم:

گفتار اول: تعریف حیات مستقر

حیات از جمله واژه‌های بسیاری است که در هر علمی تعریف خاص خود را دارد، اما هر علمی بر مبنای اصول و قواعد پذیرفته شده در آن و بر اساس مضامین و مفاهیم مخصوص خود آن را تعریف می‌کند؛ هر چند مفهوم پویایی و جنبش در تعریف هر یک از علوم موجود به طور مشترک مشهود است.

بند اول: حیات

مرحوم علی اکبر دهخدا در لغت نامه خود از حیات با مفاهیم ذیل یاد می‌کند:

عمر، زیست، زندگانی، زندگی مقابل ممات.^۱

همچنین گروهی حیات و حی را بدون اینکه آن را به طور صریح معنا کنند از طریق

ضد آن که میت یا مرده است تعریف کرده‌اند.^۲

ابن منظور هم حیات را نقیض موت دانسته است.^۳

در معارف و معاریف آمده است: حیات یعنی عمر، زیست، زندگی، مقابل ممات.^۴

همچنین فخرالدین طریحی در مجمع البحرین این گونه حیات را معنا می‌کند:

و الحیات حركة كما ان الموت سکون و حیوان را به " کل ذی روح " معنا نموده

است.^۵

اما واژه‌ی حیات بارها در قرآن کریم هم تکرار شده است که:

نویسنده‌ی التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ضمن تعریف حیات آن را نسبت به

مراحل وجودی هر یک از موجودات متفاوت می‌داند:^۶

^۱ لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه حیات

^۲ محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، ج ۱، ص ۶۰۳

^۳ ابن منظور دقیقی، لسان العرب، ۱۴۱۴ ه.ق. ج ۳، ص ۲۲۴ همچنین ر.ک. محمود عبد الرحمان، معجم

المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، ج ۱، ص ۶۰۳

^۴ سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۴، ص ۶۹۳

^۵ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶ ه.ق. ج ۱، ص ۱۱۵

^۶ و المعنی الجامع لمفهوم الحیات هو تحقق جمیع ما به قوام الشئی من الاجزاء الظاهریة و الباطنیة و النظم فیها و الشرایط اللازمة و هذا المعنی یختلف بتنوع الموجودات ففی کل باقتضاء مرتبته. حسن مصطفوی،

۱۴۰۲ ه.ق. ج ۱۱، ص ۱۹۶